

غنی سازی روابط زوجین (تحکیم خانواده)

خانم استاد علی بخشی

کلاس های مدرسه عالی تربیتی مادران

نیمسال دوم - جلسه دوم

سه شنبه ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

اللهم صل علی فاطمه و ابیها و بعلمها و بنیها و سرالمستودع فیها بعدد ما احاط به علمک

گفتیم هر کدام مان در هر فصلی باشیم هیچ اشکالی ندارد ولی ماندن در آن فصل خیلی خوشایند نیست. خصوصاً اگر پاییز یا زمستان باشد. باید سعی کنیم به سمت فصلی زندگی را سوق بدهیم که حال مان بهتر شود. چه حال خودمان، چه همسرمان و چه اعضای خانواده.

اولین قدمی که ما می خواهیم شروع به حرکت کنیم این است که یک شناخت اولیه ای داشته باشیم. شناخت اولیه ای از خودم به عنوان یک زن و از همسر به عنوان یک مرد. بعد وارد باقی شناخت ها بشویم. همه می دانیم دین اسلام دینی جامع و کامل هست؛ برای هدایت بشر آمده، از ابتدای خلقت بشر تا روز قیامت حرف هایی که زده کامل و جامع است. دین اسلام تأکید زیادی بر وجه اشتراکات زیادی که بین زن و مرد وجود دارد و در مورد اینکه یک نقاطی هم بین زن و مرد وجود دارد که تفاوت ها را بین آنها ایجاد می کند گفته شده.

نقاط مشترک شان را اگر بخواهیم نگاه کنیم در بعضی از آیات قرآن مثلاً آیه ی 13 سوره ی حجرات که می فرماید: ما شما را از یک زن و مرد خلق کردیم، یا آیه ی 1 سوره ی نساء که می فرماید ما شما را از یک نفس واحد خلق کردیم، نشان دهنده ی این است که نقاط مشترک زیادی دارند، و آیاتی که در مورد خلقت انسان صحبت فرموده به این صورت خیلی زیاد هست که خطاب به عموم انسان است. حتی در مورد دشمن مشترک زن و مرد در آیه ی 22 اعراف که شیطان است به این نکته اشاره شده است. در مورد تفاوت های زن و مرد هم در آیات قرآن موارد زیادی داریم که اشاره کرده خصوصاً آیاتی که دارد احکام را می گوید خاصه دارد به مردها یا زن ها اشاره می کند. این یعنی یک تفاوت هایی بین زن و مرد وجود دارد. آیه 36 سوره آل عمران درباره به دنیا آمدن حضرت مریم صحبت می شود. او را دختر یافت فرمود پس دختر مثل پسر نیست. در روایات مان هم خیلی در مورد تفاوت زن و مردها مطلب داریم. مثلاً امام علی علیه السلام می فرماید: صفت مرد به سنجیده سخن گفتن اوست. روایت 1333 غررالحکم، در جای دیگر می فرمایند که سنجش مرد به عقلش است روایت 1331 غررالحکم. یعنی مردان کم حرف می زنند. مردی که خیلی حرف می زند نشان گر این است که خیلی از تفکر و عقلش استفاده نمی کند. اینکه سنجیده سخن می گوید جزو صفت هایش است. همین سنجیده سخن گفتن نشانه ی عقلش است. دارد تفکر می کند. این یک نوع برداشت است. برداشت های دیگری هم می شود از این روایات داشته باشیم. یا اینکه امام صادق علیه السلام در جای دیگر می فرمایند که

بهترین زنان شما، با محبت ترین زنان نسبت به شوهران شان هستند. بهار جلد 103 صفحه 239. حداقل برداشتی که ما می توانیم از ظاهر این روایت داشته باشیم این است که زن ها راحت ابراز محبت می کنند. از نظر علمی هم در کتاب های مختلف در مورد تفاوت های زن و مرد زیاد صحبت شده.

چه در روایات و چه در آیات قرآن اشاره های زیادی به متفاوت بودن زن و مرد شده. آنجایی ملاک برتری زن و مرد مطرح هست که تقوا و عمل صالح باشد. در غیر این صورت این تفاوت هایی که مطرح شده حداقل از نگاه دینی نه به زن برتری می دهد نه به مرد. پس به چه درد می خورد؟ به خاطر کارکردش هست چون مردها یک وظایف و کارکردهایی دارند و یک تعهداتی دارند چه به همسر چه به والدین چه خانواده چه به جامعه و کشور و هر حالت دیگری.

زن ها هم کارکردشان با مردها متفاوت است. حالا ببینیم تفاوت در دیدن چه هست. تا حالا شده همسران رفته در آشپزخانه بگویند: علی جان، آن کره را از داخل یخچال به من بده؟ در یخچال را باز می کند می گویند: کره کو؟ نداریم! به او می گویند: سر راحت که داری می آیی از توی کشو یک قاشق هم با خودت بیاور. کشو را باز می کند می گویند: باز جای قاشق ها را عوض کردی؟ به او می گویند قندان را هم با خودت بیاور. نه اینکه اصلاً نبینند. بلکه در وهله ی اول جای آن شیء را نمی بینند. ممکن است چند ثانیه صبر کند مثلاً دقیق نگاه کند قندان را ببیند ولی در وهله ی اول می گویند جای چیزها را عوض کردی؟ گاهی وقت ها سر همین قضیه که خانم ها این را نمی دانند یک چالش کوچکی بین شان برقرار می شود که: ببین، نمی خواهد کار کند!

در بحث منشورها و شبکه های چشمی، تعداد منشورهایی که در چشم خانم ها هست تعدادش بیشتر از چشم آقایان است. یعنی نگاه به جنس مخالف یا نگاه به دیگران و اینکه دوباره برمی گردیم نگاه می کنیم از نظر علمی ثابت شده خانم ها بیشتر نگاه می کنند. نتیجه می گیریم توقع نداشته باشیم آنچه را که من می بینم همسر هم ببیند. همین اندازه که شناخت پیدا کنیم کمی بار فشار روانی مسئله برایمان پایین می آید و حال مان را بهتر می کند. حالا چه کنم که او طبق خواسته ی من رفتار کند، داستانش فرق می کند.

تفاوت بعدی که گاهی ما را به چالش می کشاند و بین زن و مردها ممکن است اختلافاتی ایجاد کند، تفاوت مهارت های حسی هست. مثلاً ممکن است با همسران وارد مجلسی بشوید تعداد زیادی آدم نشسته باشند، دقیقاً شاید شما به عنوان یک زن شاید در عرض کمتر از 10 دقیقه بتوانید آدم های آن محیط را تحلیل کنید. نمی خواهیم تأیید کنیم یا رد کنیم بگوییم خوب، پس اینطوری است پس قضاوت کردن را خانم علی بخشی تأیید کرد. پس ما زن ها همه ی آدم ها را قضاوت کنیم. نه. بلکه می خواهیم بگوییم این توانمندی در یک خانم وجود دارد. دلیلش این است که یک مادر از حالتی که فرزندش دارد الان می تواند بفهمد او گرسنه است، جایش را خیس کرده، غذا می خواهد، دلش درد می کند، گوشش درد می کند. اگر بچه ی بزرگتر است از مدرسه آمده مادر می تواند بفهمد امروز روز خوبی داشته یا روز

بدی داشته. ولی اگر شما بچه ای را در اختیار پدرش بدهید، بعد می گوید چرا اینطوری شد؟ چرا؟ چون پدر نمی داند بچه چه مشکلی دارد؟ یک وقت ها بچه ی ما از روی عادت می آید می گوید حوصله ام سر رفت، مادر می داند گشنه اش هست که می گوید حوصله ام سر رفت! یا اینکه الان می خواهد بازی کند یا تشنه اش هست.

نتیجه ای که در مهارت های حسی می توانیم بگیریم اینکه وقتی من دارم گریه می کنم هیچ وقت همسرم متوجه نمی شود. شاید روزها یا سالهای اول ازدواج مان هست گریه می کنم او برای اینکه هدف گرایی دارد فکر می کند می آید می گوید چه شده است؟ ولی اگر من دو ساعت هم گریه کنم او متوجه نمی شود درد اصلی من چیست. گاهی وقت ها دیده اید با گوشه کنایه حرف می زنیم. مدل حرف زدن مان جوری می شود که می خواهیم به همسرمان بفهمانیم که من از چه چیزی ناراحتم بعد می گویم باید بفهمد! از نظر تفاوت در مهارت های حسی باید بدانیم که باید بفهمد که ما می گویم غلط است. همسر من گوشه کنایه را نمی فهمد متوجه نمی شود. باید خیلی صریح و واضح مسئله ام را با او در میان بگذارم. واگر نه اگر من الان از اینکه او با من همکاری نکرده ناراحتم همه اش می گویم که مردها اینجوری و آن جوری هستند، نمی تواند به مسئله کمکی بکند.

خیلی از ما شنیدیم که زن ها چند کار را با هم انجام می دهند. هستند مردانی هم که بتوانند چند کار را با هم انجام دهند که تعدادشان کم است. اگر یک مسیری را از روی عادت دارند می روند با موبایل هم حرف می زنند ولی اگر قرار باشد یک جای جدیدی برود و یا گوشی موبایل هم صحبت کند احتمالاً بزرگراه را اشتباه می رود یا یک خروجی را رد می کند.

خانم ها در مغزشان اگر بخواهیم تشبیه کنیم یک سالن بزرگ دارند همه ی آدم هایی که دور و اطراف شان هستند را در آن جا می دهند. ولی آقایان، یک ساختمانی را تصور کنید که پر از اتاق است، یا یک سالی را تصور کنید که پارتیشن بندی شده، حائل های زیادی در آنجا وجود دارد. در یک اتاق شغل اش هست. در یک اتاق، همسرش هست. در اتاق دیگر، فرزندش و در دیگری می تواند پدر و مادرش باشد. بین آدم ها و همه ی مسائل اش مرزبندی شده. حالا دانستن این مطلب چه کمکی به ما می کند؟ مثلاً دیدید وقتی همسران مان سر کار می روند عادت ندارند خانه زنگ بزنند احوال پرس می کنند؟ مگر اینکه کاری داشته باشند. ولی یک خانم وقتی سر کار می رود از لحظه ای که سر کار است تا زمانی که می خواهد برگردد چون همه ی اعضای در یک سالن هستند، حواسش هم هست که زنگ بزند احوال مادرش را هم پرسد. حواسش هست خانه زنگ بزند یک احوالی از پدرش پرسد. یا به همسرش در خانه زنگ بزند بگوید اجاق را کم کن یا خاموش کن. اگر من بدانم این عدم تماس گرفتن همسرم به خاطر تفاوت ساختار مغزی من و همسرم هست، حداقل مرا آرام می کند.

پس توقع اینکه چند کار را هم زمان از مردها بخواهم نداشته باشم. حواسم باشد وقتی یک کار را دارد با دقت انجام می دهد صدایش نکنم و با او حرف نزنم.

دانستن تفاوت های بین زن و مرد خیلی کمک کننده است. چه بسا دامنه ی اینها خیلی وسیع تر است و ما الان داریم مختصر به آن می پردازیم. حتی این متفاوت بودن به درد زندگی هایمان می خورد. فقط، قدم اول این است که باید بدانیم یعنی یک آگاهی از آنها داشته باشیم. قدم دوم اینکه وقتی دانستیم تا حدودی آنها را بپذیریم. قدم سوم اینکه خوب، حالا اگر من می خواهم یک خواسته ای داشته باشم چگونه بگویم؟ یا اگر می خواهم با همسرم حرف بزنم چه مدلی حرف بزنم؟

اول باید وضعیت را بپذیریم. دوم اینکه الان ما خانم ها در این کلاس هستیم. اگر همسران مان سر یک چنین کلاسی بودند قطعاً توجه مان را در تفاوت هایی از آن جنبه می بردیم که آقایان را آگاهی بدهیم نسبت به تفاوت هایشان نسبت به خانم هایشان و از آنها یک خواسته هایی داشته باشیم. تفاوت هایی که ما در اینجا برای شما می گوئیم که خیلی بیشتر از اینها هم می تواند باشد، تفاوت های خلقی است. ما به واسطه ی ازدواج، یک سری تفاوت های اکتسابی که در طول تربیت و رشدمان تا سن ازدواج رسیدیم هم داریم بر این تفاوت ها اضافه می کنیم. من به عنوان یک زن بر اساس خانواده ای که در آن رشد کردم و تربیت شدم، رسم و رسومات و فرهنگی که داشتیم این را دارم با خودم می آورم. یک بار دیگرش تفاوت سطح دیانت او هست.

تفاوت های روان شناختی افراد، صفات اخلاقی که دارند، مدل رفتارها و نگرش هایشان و مدل فکر کردن شان، بروز عواطف و هیجانات شان؛ حتی هوش و استعدادشان. یک خانمی که از هوش و استعداد بالایی برخوردار است، اگر با پسری ازدواج کرده که سطح بهره ی هوشی پایینی دارد، خیلی می تواند با هم چالش داشته باشند. ما فعلاً تمرکزمان روی همین تفاوت های خلقی است که در مورد تفاوت هایی هم که خودمان بر اثر ازدواج سوار بر این تفاوت ها می کنیم، که همه ی اینها می تواند کلی اثرگذار باشد روی روابط ما، صحبت می کنیم. مرحله ی اول ما الان آگاهی دادن است نه اینکه چه کار بکنیم.

مدل حرف زدن های ما با مردها خیلی فرق می کند. مردها خیلی حاشیه گفتن یا مقدمه چینی کردن در حرف هایشان معنی نمی دهد. در تربیت پسرانه ما می گوئیم اگر درخواستی از پسران دارید یا می خواهید با او صحبت کنید اصل مطلب را بگویید. کوتاه بگویید. ولی در تربیت دخترانه به صحبت هایتان شاخ و برگ بدهید داستان بگویید یک مقداری ماجرا را طول بدهید. دخترها از این مکالمه های اینچنینی خیلی خوششان می آید.

زن ها کلاً زبان آورهای خوبی هستند. ما اگر فرزند دختر و پسر کوچکی را داشته باشیم به کلام آمدن دختر و پسرمان نگاه کنیم، کاملاً تفاوت را احساس می کنیم. دخترها معمولاً زودتر به حرف می آیند و پسرها دیرتر. دخترها خیلی سریع دامنه ی لغات شان وسعت پیدا می کند در عرض چند ماه کلی کلمه را یاد می گیرند. ولی پسرها خیلی کندتر در این زمینه پیش می روند. البته این اتفاق صد در صد در دخترها و پسرها نمی افتد. برای مردها حرف زدن اصلاً جزو مهارت هایشان نیست. اما برای زن ها

جزو مهارت هایشان است. مردها وقتی یک حرفی را می زنند خیلی سریع می روند سر اصل مطلب، ولی یک خانم وقتی می خواهد حرف بزند مقدمه چینی می کند. یک وقت هایی شاید ما خیلی مقدمه چینی می کنیم طول و تفصیل می دهیم که همسران مان شنونده ی خوبی نمی شوند. یک چند دقیقه ای از حرف ما را گوش می دهد و دیگر بقیه اش را نمی شنود! زن ها وقتی ناراحت هستند همزمان هم حرف می زنند هم احساس ناراحتی می کنند هم می اندیشد هم عمل می کند، ولی مردها وقتی ناراحت هستند، مسائل را یکی یکی جلو می روند. این طور نیست که همه ی مردها هم جزو مردانی باشند که اول فکر بکنند بعد جلو بروند، ولی عموم آقایان این طور هستند که اول سکوت می کنند بعد آن طبقه بندی را که گفتیم در مغزشان وجود دارد آن مشکل را می برند در آن طبقه خاص، حل مسئله شان را انجام می دهند، بعد می خواهند از آن طبقه ماجرا را تفکیک کنند بیرون بیاورند آن موقع شروع می کنند در مورد ماجرا حرف می زنند.

در ارتباط کلامی ما زن ها به دنبال ارتباط برقرار کردن با آدم ها هستیم. رابطه ی عاطفی آن ارتباط برایمان مهم است. ولی مردها اینطوری نیستند. اگر دارد گفتمانی را انجام می دهد برای اینکه می خواهد کارش راه بیافتد. دیگر مسئله ی عاطفی موضوع برایش مطرح نیست. مثلاً یک مسئله ای پیش آمده خانم می گوید متأسفم، اگر یک مرد بگوید متأسفم یعنی خودم متأسفم، اما وقتی خانم می گوید متأسفم یعنی تو متأسف باش! اینها را قدری در ذهن مان مرور کنیم. بعضی وقت ها می گوییم که ما احتیاج داریم. تفاوتی که خود مردها با هم دارند که کاملاً بعضی از مردها با هم فرق می کنند. برادرمان را وقتی با همسرمان در ذهن مان مقایسه می کنیم می بینیم با هم فرق دارند. دو تا برادر در یک خانواده با هم فرق دارند. اصلاً خود ما، من با خواهرم فرق می کنم. چرا باید از اینها آگاهی داشته باشیم؟ و مسیرهای بعدی که ان شاء الله به آن تفاوت فرهنگی برسیم و تفاوت سطح اقتصادی و دیانت که چالش های آنها خیلی بیشتر هست. حالا من با مدل حرف زدن همسر من می توانم کنار بیایم اما با مدل تفاوت اقتصادی چه کار کنم؟ و خیلی چیزهای دیگر ®